



دانشگاه بلوچستان
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه و کلام اسلامی (گرایش کلام اسلامی)

عنوان:

رابطه فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان از نظر ملاصدرا و آیات و روایات

استاد راهنما:

دکتر مرتضی عرفانی

استاد مشاور:

دکتر حسین خاکپور

تحقیق و نگارش:

فاطمه بشکار

بهمن ۱۳۹۲

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان ابطله فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان از نظر ملاصدا و آیات و روایات قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی توسط دانشجو فاطمه بشکار با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر مرتضی عرفانی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

(نام و امضاء دانشجو)

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما:	دکتر مرتضی عرفانی	
استاد مشاور:	دکتر حسین خاکپور	
داور ۱:	دکتر علی اکبر نصیری	
داور ۲:	دکتر ولی ا... حسومی	
نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر محبعلی آبسالان	



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب فاطمه بشکار تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: فاطمه بشکار

امضاء

تقدیم بہ:

محضر آقا امام زمان (عج)

تقدیم بہ:

روح پاک پدرم کہ غم عروجش سخت مرا نگلین نمود
او کہ عالمانہ بہ من آموخت تا چگونه در عرصہ زندگی، ایستادگی را تجربہ نمایم.

تقدیم بہ:

مادر عزیز تر از جانم

دریای بی کران فداکاری و عشق کہ وجودم برایش بہ ریخ است و وجودش برایم بہ مہر

تقدیم بہ:

ہمسر مہربانم

کہ سایہ مہربانیش سایہ ساز زندگیم می باشد، او کہ اسوہ صبر و تحمل بوده و مشکلاتم را تسہیل نمود.

سپاس و ستایش مرخصی‌های راجل جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تلمان است و انوار حکمت او در دل شب تار، در فشان. آفریدگاری که خویشتن را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید.

به مصداق «من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق» بسی شایسته است از اساتید فریخته و فرزانه جناب آقای دکتر مرتضی عرفانی استاد راهنمایی ارجمندم و جناب آقای دکتر حسین خاکپور استاد مشاور کرامی ام که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سمرای علم و دانش را با راهنمایی‌های کارساز و سازنده بارور ساختند؛ تقدیر و تشکر نمایم، بی‌شک بدون راهنمایی‌های ارزنده استادان کراتقدر پژوهش حاضر پدید نمی‌آمد. موفقیت آن بزرگواران را در تمام زمینه‌های زندگی از خداوند منان خواستارم.

و سپاس فراوان از عزیزان به‌تر از جانم که نور ایمانشان، همواره روشنی بخش راهم بوده است.

نام خانوادگی دانشجو: بشکار	نام: فاطمه
عنوان: رابطه فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان از نظر ملاصدرا و آیات و روایات	
استاد راهنما: دکتر مرتضی عرفانی	پست الکترونیکی: erfani.morteza@ gmail.com
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: فلسفه و کلام اسلامی
	گرایش: کلام اسلامی
دانشگاه: سیستان و بلوچستان	تحصیلات تکمیلی
تاریخ فارغ التحصیلی:	تعداد صفحات: ۱۰۲
واژگان کلیدی: فرشته، شیطان، قوای ادراکی، عقل فعال، ملاصدرا، آیات، روایات	
چکیده:	
<p>خواطر و افکاری که انسان با آن مواجه می شود بر دو گونه است: گاهی خواطر از جانب فرشته است که انسان را به اعمال پسندیده رهنمود می کند و گاهی خواطر از سوی شیطان است که انسان را به گمراهی می کشاند.</p> <p>قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام فرشته را مبدأ فاعلی خیر و شیطان را مبدأ فاعلی شر معرفی می کنند. تاثیر فرشته بر قوای ادراکی انسان به صورت الهام به خیر و نیکی و راه حق است، و تاثیر شیطان بر قوای ادراکی انسان به صورت تزئین، افکندن آرزوهای باطل در دل، وسوسه، تسویل و... است.</p> <p>از دیدگاه ملاصدرا، فرشته مخلوقی است که شأنش افاضه خیر و علم و کشف حق و وعده به معروف است که از طریق قوه عاقله تاثیر می گذارد و شیطان مخلوقی است که به شر وعده می دهد و از طریق قوه واهمه نفوذ می کند. ملاصدرا عقول را همان فرشتگان مقرب در شرع می داند، از نظر او عقل فعال همان جبرئیل است.</p> <p>آنچه که از مطالعه آیات و روایات و آثار ملاصدرا بدست می آید این است که: دیدگاه ملاصدرا تا حدود زیادی با تبیین قرآن کریم از رابطه فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان سازگاری دارد و هر دو تاثیر فرشته را افاضه خیر و علم و ... و تاثیر شیطان را امر به فحشاء و منکرو... معرفی می کنند.</p> <p>این پایان نامه تلاش دارد به روش توصیفی - تحلیلی با مراجعه به کتابهای تفسیری و روایی و آثار ملاصدرا اندیشه های گوناگون را درباره رابطه فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان مورد بررسی و بازخوانی قرار دهد.</p>	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات تحقیق و مفهوم شناسی.....
۲	۱-۱- تعریف مساله.....
۳	۲-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق.....
۳	۳-۱- پرسش های تحقیق.....
۳	۴-۱- فرضیه های تحقیق.....
۴	۵-۱- پیشینه تحقیق.....
۵	۶-۱- اهداف تحقیق.....
۵	۷-۱- روش تحقیق.....
۵	۸-۱- مفهوم شناسی.....
۵	۱-۱-۸-۱- معنای لغوی شیطان.....
۶	۱-۱-۸-۲- شیطان در اصطلاح حکماء.....
۷	۱-۲-۸-۱- معنای لغوی ملک.....
۷	۱-۲-۸-۲- معنای لغوی فرشته:.....
۸	۱-۲-۸-۳- فرشته در اصطلاح حکماء.....
۸	۱-۳-۸-۱- عقل فعال در اصطلاح حکماء.....
۱۰	۱-۴-۸-۱- قوای ادراکی در انسان.....
۱۲	فصل دوم: رابطه فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان از نظر آیات و روایات.....
۱۳	۱-۲- مقدمه.....
۱۳	۲-۲- تاثیر فرشته و شیطان بر قوای ادراکی انسان از منظر قرآن کریم.....
۱۴	۳-۲- مقصود از قول و کلام فرشته و شیطان.....

- ۱۷ ۴-۲- آیاتی که به تاثیر شیطان بر قوای ادراکی دلالت دارد.....
- ۱۷ ۴-۲-۱- تزئین.....
- ۱۹ ۴-۲-۲- افکندن آرزوهای باطل در دل.....
- ۲۰ ۴-۲-۳- وحی و وسوسه.....
- ۲۲ ۴-۲-۳-۱- وسوسه از شیطان است یا از نفس اماره؟.....
- ۲۳ ۴-۲-۴- تسویل.....
- ۲۳ ۴-۲-۵- لغزاندن.....
- ۲۴ ۴-۲-۶- وعده به فقر.....
- ۲۵ ۴-۲-۷- ترساندن.....
- ۲۵ ۴-۲-۸- نسیان و فراموشی.....
- ۲۶ ۴-۲-۹- خبط.....
- ۲۷ ۴-۲-۱۰- وعده دروغ.....
- ۲۸ ۴-۲-۱۱- نزع.....
- ۲۸ ۴-۲-۱۲- ایجاد عداوت و دشمنی.....
- ۲۹ ۴-۲-۱۳- امر به فحشاء و منکر.....
- ۳۰ ۴-۲-۱۴- تاختن از جهات چهارگانه.....
- ۳۱ ۲-۵- آیاتی که به تأثیر فرشته بر قوای ادراکی انسان اشاره دارد.....
- ۳۳ ۲-۶- تاثیر فرشته و شیطان بر قوای ادراکی انسان از نظر روایات.....
- ۳۳ ۲-۶-۱- تاثیرات فرشته.....
- ۳۳ ۲-۶-۱-۱- الهام به امام.....
- ۳۵ ۲-۶-۱-۲- ترغیب به حق.....
- ۳۶ ۲-۶-۱-۳- تسکین دهندگی.....
- ۳۶ ۲-۶-۱-۴- لمة در دل توسط فرشته.....
- ۳۷ ۲-۶-۱-۵- راهنمایی توسط فرشته.....
- ۳۷ ۲-۶-۱-۶- سرور ملکی.....

۳۸تاثیرات شیطان.....۲-۶-۲
۳۸نفوذ از راه اعمال و عقاید.....۱-۲-۶-۲
۳۹وسوسه.....۲-۲-۶-۲
۴۰اعراض از ذکر خدا.....۳-۲-۶-۲
۴۰تصرف در چشم.....۴-۲-۶-۲
۴۱تزئین.....۵-۲-۶-۲
۴۱غفلت، دروغ و کبر.....۶-۲-۶-۲
۴۱لمه در دل توسط شیطان.....۷-۲-۶-۲
۴۲فتنه انگیزی شیطان.....۸-۲-۶-۲
۴۳حزن شیطانی.....۹-۲-۶-۲
۴۴ فصل سوم: رابطه فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان از نظر ملاصدرا.....
۴۵۱-۳- پیشینه تاریخی بحث.....
۴۵۱-۱-۳- حکمت مشاء.....
۴۸۲-۱-۳- حکمت اشراق.....
۵۱۲-۳- حکمت متعالیه ملاصدرا.....
۵۱۱-۲-۳- حقیقت علم و ادراک.....
۵۲۲-۲-۳- انواع ادراکات.....
۵۳۳-۲-۳- قوه عاقله.....
۵۴۴-۲-۳- قوه وهم.....
۵۵۵-۲-۳- عقل فعال.....
۵۶۱-۵-۲-۳- عقل نظری و عقل عملی.....
۵۷۱-۱-۵-۲-۳- مراتب عقل نظری.....
۵۸۲-۱-۵-۲-۳- ذکر منازل انسان به حسب قوای نفسانی.....

۵۸۳-۲-۵-۱-۳- مراتب عقل عملی.....
۵۹۳-۲-۵-۲- اثبات وجود عقل فعال.....
۶۱۳-۲-۵-۱-۲- اتحاد عاقل و مقعول.....
۶۲۳-۲-۵-۲-۲- اشکالات اتحاد نفس با عقل فعال.....
۶۴۳-۲-۶- رابطه فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان از نظر ملاصدرا.....
۶۸۳-۲-۶-۱- فرق بین خواطر ملکی و شیطانی.....
۷۰۳-۲-۶-۲- مبدأ و اصل وجود فرشته و شیطان.....
۷۰۳-۲-۶-۳- نشانه های الهام فرشته و وسوسه شیطان.....
۷۱۳-۲-۶-۴- ضرورت وجود شیطان.....
۷۳ فصل چهارم: تاثیر شیطان بر قوای ادراکی و رابطه آن با اختیار انسان.....
۷۴۴-۱- در نظام حکیمانه تاثیر شیطان بر قوای ادراکی انسان باعث سلب اختیار او نیست.....
۷۷۴-۲- حکمت آفرینش شیطان.....
۷۹۴-۳- تصرف شیطان در نفوس انبیاء.....
۸۱ فصل پنجم: بررسی تطبیقی و نتیجه گیری.....
۸۲۵-۱- آیات و روایات مورد استناد ملاصدرا در رابطه فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان.....
۸۲۵-۱-۱- فرشته.....
۸۲۵-۱-۱-۱- بشارت دهنده به خیر.....
۸۲۵-۱-۱-۲- افاضه علم.....
۸۴۵-۱-۱-۳- کشف حق و وعده به معروف.....
۸۵۵-۱-۱-۴- علم.....
۸۵۵-۱-۲- شیطان.....
۸۵۵-۱-۲-۱- وعده به شر.....
۸۵۵-۱-۲-۲- ترساندن به فقر.....
۸۶۵-۱-۲-۳- وسوسه.....
۸۷۵-۱-۲-۴- لمه در دل توسط شیطان.....

٨٧٥-٢-١-٥- جهل
٨٧٥-٢-١-٥- تزئین اعمال
٨٨٥-٢-١-٥- فریب و دروغ
٨٩٥-١-٣- عقل فعال
٩٠٥-٢- نتایج
٩٢ مراجع

فصل اول:

کلیات تحقیق و مفهوم شناسی

در این فصل ابتدا به بیان کلیات تحقیق همچون: تعریف مساله ، ضرورت و روش انجام تحقیق، اهداف ، پرسش ها و فرضیه های تحقیق و سپس به بررسی لغوی و اصطلاحی واژگان مهم و کاربردی که در این پایان نامه مد نظر است پرداخته شده است.

۱-۱- تعریف مساله:

با اینکه وجود شیطان و وسوسه های شیطان ، نزد انسان امری مسلم فرض شده است، اما انسان نسبت به این امر کمتر توجه کرده است و فقط روزی چند بار شیطان را لعنت کرده و از شرش به خدا پناه می برد و بعضی افکار پریشان خود را به این جهت که از ناحیه اوست تقبیح می کند.

قلمرو اغوا و اضلال شیطان ، ادراک انسانی و ابزار کار او عواطف، احساسات، غرایز، امیال و صفات نفسانی بشری است که آیاتی چند به این مسئله اشاره دارد از جمله: " وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ " (نمل: ۲۴) و به شهادت آیه "الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ" (ناس: ۴، ۵)، اوهام کاذب و افکار باطل را شیطان در نفس انسان القاء می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برای قلب ارتباطی با ملائکه و فرشتگان است که بخوبی ها و پایان نیک وعده میدهد و حالت تصدیق و تسلیم بحق در او یافت می شود هر کس چنین حالتی را در خود احساس نماید بداند که این از عنایات الهی است و سپاس خداوند را نموده و شکرگزاری کند و ارتباط دیگری هم با شیطان و دشمن حق دارد که نشانه اش وعده و ترغیب به بدی ها و تکذیب و باور نکردن حق و نهی و خودداری از کارهای خوب و خیر- کسی که خود را این گونه ببیند از شر شیطان به خدا پناه برد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۱۹).

ملاصدرا هم در این باب می گوید: خواطر در قلب انسان منقسم می گردد به آنچه به خیر دعوت می کند و در آخرت نفع می رساند و آنچه دعوت به شر می کند و در آخرت خیر نمی رساند خاطر محمود را به الهام و خاطر مذموم را به وسواس نام گذاری کرده اند. این خواطر حادثند و هر حادثی علت می خواهد و اختلاف معلول ها به خاطر اختلاف علت هاست . عاملی که انسان را به سوی خیر دعوت می کند در عرف شریعت به ملک موسوم است و عاملی که انسان را به سوی شر دعوت می کند شیطان است و لطفی که قلب را مهیای الهام ملک می گرداند به توفیق موسوم است و آنچه مهیای قبول وسوسه شیطان است اغوا و خذلان نامیده می شود.

ملاصدرا جبرئیل و روح القدس و عقل فعال را یکی دانسته است از نظر او جبرئیل فرشته هدایت است و در میان فرشتگان ، نقش برجسته ای در تکمیل نفوس دارد و به واسطه او علوم به نفوس و وحی به انبیاء افاضه می شود.

۲-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق:

مسئله فرشته و شیطان سابقه ای دیرینه دارد و پژوهش هایی در این زمینه صورت گرفته است لیکن در این تحقیق در صدد بررسی تاثیر فرشته و شیطان بر قوای ادراکی انسان از نظر ملاصدرا و قرآن و روایات هستیم.

ضرورت انجام این تحقیق از آن روست که علی رغم اهمیت آن هنوز کتاب مستقلی در این مورد تالیف نشده است.

۳-۱- پرسش های تحقیق:

در این نوشتار به دنبال آنیم تا به سوالات اساسی زیر پاسخ داده شود:

۱- تبیین قرآن و احادیث از رابطه فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان چیست؟

۲- تلقی ملاصدرا از رابطه فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان چیست؟

۳- تبیین قرآن و احادیث با نظریه ملاصدرا در باب رابطه فرشته و شیطان با قوای ادراکی انسان سازگار است؟

۴- در نظام حکیمانه خلقت تاثیر شیطان بر قوای ادراکی انسان باعث سلب اختیار اوست؟

۴-۱- فرضیه های تحقیق:

۱- قرآن از شیطان به عنوان یک وسوسه گر، زینت دهنده امور زشت و ... یاد می کند. القاء وحی به سوی بشر حتما باید به وسیله فرستادن فرشته از آسمان صورت گیرد. در احادیث وارده از ائمه اطهار علیهم السلام هم بیان شده است که قلبی نیست مگر اینکه دارای دو تا گوش است بر یکی از آنها فرشته ای هدایت کننده است و بر دیگری شیطانی فتنه گر است یکی او را امر می کند و دیگری نهی می کند شیطان او را به گناهان امر می کند و فرشته او را از گناهان باز می دارد.

۲- از دیدگاه ملاصدرا قلب به اعتبار صفا و لطافتی که در آن است بر حسب اصل فطرت صلاحیت آثار ملکیه و شیطانیّه در آن یکسان است. اگر از شهوت خودش پیروی کرد شیطان بر او مسلط می شود و اگر با آنها مجاهده بکند به اخلاق ملائکه شبیه می شود.

۳- با توجه به اینکه بخشی از حکمت متعالیه صدرا بر گرفته شده از آیات و روایات است مسئله تاثیر فرشته و شیطان بر قوای ادراکی انسان از نظر ملاصدرا با تبیین قرآن و احادیث تا حدود زیادی هم خوانی دارد.

۴- در نظام حکیمانه خلقت تاثیر شیطان بر قوای ادراکی انسان باعث سلب اختیار او نیست، شیطان هیچ تسلطی بر انسان ندارد و مرز سلطه او بر انسان از حد تحریک و وسوسه فراتر نمی رود.

۱-۵- پیشینه تحقیق:

اگرچه به زبان فارسی و عربی کتابها و مقالات فراوانی درباره فرشته و شیطان نوشته شده است لیکن در این تحقیق در صدد بررسی تطبیقی تاثیر فرشته و شیطان بر قوای ادراکی انسان از نظر حکمت متعالیه و قرآن و روایات می باشیم که تاکنون پژوهش مستقلی با این موضوع ارائه نشده است.

از جمله مقالاتی که در این زمینه موجود است: ۱- «عقول در حکمت صدرایی و فرشته شناسی نهج البلاغه» اثر علی ارشد ریاحی و ملیحه جمشیدیان است در این مقاله تطبیق آراء فلسفی ملاصدرا درباره عقول با فرشته شناسی نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است، البته از دیدگاه نویسنده عقول با فرشتگان الهی قابل تطبیق نیست ۲- «خواطر رحمانی و خواطر شیطانی از دیدگاه ملاصدرا» اثر رضا اکبری و سید هادی رضائیان است که بحث در مورد خواطر از دیدگاه ملاصدرا است. ۳- «فلسفه و جایگاه شیطان در حکمت متعالیه» اثر محمد جواد طالبی چاری است در این مقاله وجود شیطان را از حیث وجودی خیر دانسته و به تبیین ضرورت وجود شیطان در نظام احسن پرداخته است. ۴- «ملائکه الله از دیدگاه ملاصدرا» اثر سید صدرالدین طاهری و منا فریدی خورشیدی است، در این مقاله به روش تحلیلی _ توصیفی به چیستی ملائکه و تبیین آن از دیدگاه ملاصدرا پرداخته شده است. ۵- «راه های نفوذ شیطان در جامعه» اثر محمد قدیر دانش، در این مقاله نویسنده به دنبال چگونگی نفوذ شیطان در فعالیت های اجتماعی است البته امور و فعالیت هایی را که در اصل، ماهیت اجتماعی ندارند، ولی آثار اجتماعی دارند هم مورد بررسی قرار می دهد.

۱-۶-اهداف تحقیق:

هدف از بحث و بررسی در این موضوع آشنایی با تاثیرات فرشته و شیطان بر ادراک انسان است و افزایش توجه به نقش کلیدی شیطان در گمراهی انسان و نقش فرشته در هدایت و صراط مستقیم، با بهره گیری از قرآن کریم و احادیث ائمه اطهار علیهم السلام و حکمت صدرایی است.

۱-۷-روش تحقیق:

این تحقیق بر اساس روش توصیفی، تحلیلی انجام گرفته است، با استفاده از منابع کتابخانه ای، مراجعه به سایت ها، بررسی مقاله های کار شده در این زمینه و استفاده از نرم افزارها، اطلاعات جمع آوری شده و مورد بررسی و دسته بندی قرار گرفته است و پس از آن به نگارش پایان نامه پرداخته شده است.

۱-۸-مفهوم شناسی:

۱-۸-۱-۱-معنای لغوی شیطان :

شیطان به صورت مفرد هفتاد بار و به صورت جمع(شیاطین) هجده بار در قرآن مجید آمده است(قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۳۲).

سیبویه در یک جا از کتابش شیطان را از «شطن» و در جای دیگر کتابش آن را از «شیط» معرفی می کند(طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶: ۲۷۲) برخی معتقدند که این واژه از «شیطن، تشیطن» مشتق شده است (شرتونی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۵۹۲)

واژه شیطان را: ۱- از مصدر «شطن» به معنای دور شدن می دانند، ۲- شطن، ریسمان طویل است و نیز اسبی که صاحبش نافرمانی می کند اطلاق می شود، بر این وجه که گویی در طول یک ریسمان در حرکت است. غزوة شطون یعنی کارزار طولانی. «نوی شطون» و «نئیة شطون» به معنی آرزوهای طولانی و دراز است و شیطان هم بر وزن فیعال از همین معناست و وجه تسمیه اش دوری از حق و سرکشی است، از همین رو هر متمدنی از جن و انس مجازاً شیطان نامیده می شود. (ابوعودة، ۱۴۰۵، ج ۲: ۹۱۷)

در شیطان حرف «ن» اصلی است و از - شَطْن- یعنی دور شدن است. الشَّيْطَان: دور شده از رحمت حق. ۳- برخی نیز گفته اند حرف (ن) در شیطان زیادی است و ریشه آن- شاط یشیط- یعنی از خشم سوخت، گرفته

شده است، پس شیطان مخلوطی از آتش است. آیه (وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ - (الرَّحْمَن: ۱۵)) بر این معنی دلالت دارد و به دلیل همین معنی و ریشه است که واژه شیطان از شدت نیروی غضب و حمیت اشتباهش به آن اختصاص یافت و از سجده به آدم بازماند. ابو عبیده گفته است: شیطان اسمی است برای هر فرد پلید و بدخوی از جنّ و انس و حیوانات. که در آیات به آن اشاره شده است: (شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ - (انعام: ۱۱۲)) (إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ - (انعام: ۱۲۱)) و آیه: (وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ - (بقره: ۱۰۲)) که منظور شیطان سیرتان است که همان پیروان جنّ هستند و همچنین صحیح است که منظور پیروان انسانهای شیطان سیرت باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۲۵-۳۲۷)

۳- عده ای شیطان را برگرفته از لغت عبری «هاستطین» به معنی مخالفت و دشمنی دانسته اند و برخی نیز آن را از لفظ سریانی اش می دانند (خزائلی، ۱۳۷۸: ۷۸) همچنین کلمه شیطان به «تیتان» یونانیان شباهت دارد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۱۴۷۰۶)

۱-۸-۲- شیطان در اصطلاح حکماء:

ملاصدرا در کتاب مفاتیح الغیب در تعریف شیطان اظهار داشته است که «شیطان عبارت است از جوهری روحی و ظلمانی که کارش بر عکس و ضد فرشته است و آن حکم کردن به کارهای بد و امر نمودن به کارهای زشت و هراس از نیازمندی و ناداری است البته هنگامی که اراده کار نیکو می کند.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۵۵).

در شرح مصطلحات فلسفی آمده است که: شیاطین انس عبارتند از نفس های شریر دارای جسم و شیاطین جن عبارتند از نفس های شریری که از جسم جدا و از چشم ها پوشیده هستند. شیاطین شریر دارای جسم شیاطین بالقوه هستند پس هنگامی که از جسم جدا شوند بالفعل می گردند. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۴: ۱۷۰)

شیطان عبارت است از قوه متخیله و برای هر فلکی روحی کلی است که از آن ارواح زیادی منشعب شود (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۹۰۷)

۱-۲-۸-۱- معنای لغوی مَلَك:

مَلَك: (بفتح میم و لام) فرشته . جمع آن ملائكة است زمخشری می نویسد: ملائكة بنا بر اصل جمع «ملائك» است و الحاق «تاء» در آخر ملائكة برای تأنیث جمع است (زمخشری، ۱۴۱۸، ج ۱: ۲۵۱)، (بیضاوی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۲۷۹)

مَلَك: علمای نحو این واژه را از ملائكة میدانند که حرف -م- در آن زائد است، بعضی پژوهشگران گفته‌اند: ملك از مَلَك است یعنی قدرتمند، اما به کارگزاران آفرینش که از فرشتگانند- مَلَكُ با فتحه حرف اول و دوم گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۴۹)

اکثر علماء معتقدند که آن از الوک مشتق است و الوک بمعنی رسالت است. در صحاح از کسائی نقل شده: اصل ملك مَأَلَك است از الوک بمعنی رسالت سپس لام بجای همزه آمده و مَلَأَك شده و آنگاه همزه در اثر کثرت استعمال حذف شده و ملك گشته است و در وقت جمع همزه را آورده و ملائكة گفته‌اند. ملك بصورت مفرد و تثنیه و جمع در حدود ۸۰ بار در قرآن کریم آمده است و منظور از آن پیوسته فرشته و فرشتگان است و اگر آن از الوک باشد شاید بدین جهت است که هر یک از ملائكة رسالت و مأموریت بخصوصی دارند چنانکه فرموده: جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْحِبَةٍ... (فاطر: ۱). و اینکه خداوند فرموده: اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ (حج: ۷۵). ظاهراً در باب آوردن وحی است که رسولی از ملائكة، وحی را به پیامبران می‌رساند و رسولی از مردم آنرا به انسانها می‌رساند در اینکه ملك از چه چیزی خلق شده است در قرآن کریم مطلبی نیست فقط در باره جن هست که از آتش آفریده شده است. (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۶: ۲۷۵-۲۷۶)

۱-۲-۸-۱- معنای لغوی فرشته:

۱- فرشتگان را که دارای بالهای ... پیام آورنده قرار داده است

۲- خدا از میان فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند، و نیز از میان مردم، بی‌گمان خدا شنوای بیناست.

موجودی، روحانی و ملکوتی که به ستایش خداوند مشغول است (معین، ۱۳۴۳، ج ۲: ۲۵۱۸) و غیر قابل رؤیت که مأمور اجرای اوامر الهی است و مرتکب گناه نمی‌شود (عمید، ۱۳۸۸: ۷۱۸) و به زبان عربی مَلَك خوانده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۰)

۱-۸-۲-۳- فرشته در اصطلاح حکماء:

ملاصدرا در کتاب مفاتیح الغیب در تعریف فرشته بیان می‌دارد که «فرشته عبارت است از گوهری روحی و نورانی که پروردگار او را آفریده، و کارش افاضه و بخشش خیر و رساندن علم و کشف و نوید دادن به نیکی‌ها است و خداوند او را برای آن کار مسخّر و رام نموده است.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۱۵۴) مراد از ملائکه عقول مجرد و نفوس فلکیه و ارواح مجرده‌اند که تصرف در عنصریات می‌کنند (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۹۰۷).

اخوان الصفا می‌گویند: ملائکه خدا همان کواکب و افلاک‌اند که پادشاهان آسمانهاوند و خداوند آنها را آفریده است تا دنیا را آباد کنند مدبر خلق باشند و در افلاک او خلفاء الله‌اند (همان: ۱۹۰۸، اخوان الصفا، ۱۴۱۲، ج ۳: ۹۸)

۱-۸-۳- عَقْلِ فَعَالٍ در اصطلاح حکماء:

در نظر متفکران اسلامی، در ورای عقل انسانی عقل فعال قرار دارد که صور معانی را به عالم کون و فساد افاضه می‌کند. این صور در عقل فعال از آن جهت که فعال است، موجود است (صلیبا، ۱۳۶۶: ۴۷۳) فلاسفه عقل دهم را عقل فعال نامیده‌اند که در زبان شرع روح القدس و جبرئیل نامیده شده است. عقل فعال فیاض است و عقول و نفوس انسانی را از قوه به فعل می‌آورد و واهب الصور و واسطه در فیض به موجودات عالم کون و فسان است.

نفس انسان دارای مراتبی است که در مراتب تکاملی خود بنام هیولانی و بالملکه و بالفعل و بالاخره در مقام و مرحله اتصال به عقل فعال آن را عقل بالمستفاد گویند.

مسأله وجود عقل مدبر و حاکم و ناظم بر جهان طبیعت قبل از بوجود آمدن فرضیه عقول عشره از قدیم الایام در آراء و عقاید متفکران و فلاسفه دیده میشود. انکساکورس اولین فیلسوف عقلی است که قائل به عقل مفارق و حاکم و ناظر بر متضادات بوده است و بعد مسأله مثل افلاطون و کلیات سقراط و صور ارسطو و غیره مطرح

شده و بالاخره سلسله موجودات و جهان آفرینش را بر مبنا و اصول و قواعد خاص و بر اسلوب مخصوصی قرار داده‌اند و بر این فرضیه‌ها اشکالات و ایراداتی مشاهده کردند و به منظور دفع آن ایرادات قواعدی درست کردند و جهان وجود را قسمت کردند به مجردات و مادیات و برای مجردات و مادیات مراتب و طبقاتی قائل شدند و هر یک را مصدر و مبدأ موجودی مناسب خود دانستند. در طرف اجرام و اثیریات سلسله مراتب وجود منتهی به عناصر و هیولی و ماده‌المواد و در طرف مجردات منتهی به عقل دهم و نفوس ناطقه بشریه می‌شود. به وسیله عقل فعال نفوس بشری بر ابدان و اجساد فائز می‌گردد عقل فعال را به نامهای مختلف خوانده‌اند مانند روح القدس، روان بخش، جبرئیل، روح امری، کدخدای زمین و غیره. (سجادی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۲۹۰)

صدرالدین شیرازی می‌گوید: عقل فعال را از آن جهت فعال گویند که اولاً ایجادکننده نفوس بشری است و خارج‌کننده آنها از قوت بفعل است و ثانیاً آنکه خود از تمام وجوه بالفعل است و از این جهت تمام عقول فعالند و ثالثاً آنکه موجد و مکنون این عالم است و مفیض صور است بر عالم محسوس و بالاخره عقل فعال آخرین مفارقات عقلیه است و آخرین مرتبت کمال نفس ناطقه اتصال به عقل فعال است چنانکه گوید:

«ان للعقل الفعال وجودا فی نفسه و وجودا فی انفسنا فان کمال النفس و تمام وجودها و صورتها و غایتها هو وجود العقل الفعال لها و اتصالها به و اتحادها معه فان ما لا وصول لشيء اليه بوجه الاتحاد لا يكون غاية لوجود ذلك الشيء» (صدر

الدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۹: ۱۴۰)

ملاصدرا در اثبات وجود عقل فعال می‌گوید هر آنچه از قوه به فعل درآید سبب می‌خواهد و محال است این سبب خود، فعلیت نداشته باشد، پس عقل هیولانی سببی دارد که عقل و عاقل بالفعل بوده و از هرگونه قوه‌ای میراست و آن را از حالت هیولانی به مرحله فعلیت پیش می‌برد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۲۴۵)

نفس انسان سیر خود را از جسمیت مطلق آغاز می‌کند و سپس به ترتیب مراحل عنصری، معدنی، نباتی و حیوانی را پشت سر گذاشته و به ذاتی می‌رسد که هیچ نسبتی با ماده جسمانی ندارد و آنگاه که از این مرحله ارتقا یابد، به آغاز رتبه‌ای نایل می‌شود که به طور کلی از ماده مفارق بوده و مستفاد نامیده می‌شود. او در بیان تفاوت عقل مستفاد و عقل فعال می‌گوید، عقل مستفاد، صورت مفارقی است که قبلاً همراه ماده بوده و از آن مجرد یافته است، ولی عقل فعال صورتی است که هیچ گاه در ماده و مقارن با آن نبوده و شأنی جز مفارقت از ماده ندارد (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱: ۴۶۱)